



پردیس فارابی دانشگاه تهران

پژوهشی تطبیقی پیرامون شرط اجتهاد قاضی از منظر فقه

امامیه و مذهب حنبلی

نگارش

حمیدرضا کریمی

استاد راهنما: حجه الاسلام والمسلمین دکتر سید احمد میر حسینی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته: فقه و مبانی حقوق

۹۳/۳/۱۱

دانشگاه تهران

پردیس فارابی دانشگاه تهران

پژوهشی تطبیقی پیرامون شرط اجتهاد قاضی از منظر فقه
امامیه و مذهب حنبلی

نگارش: حمیدرضا کریمی

استاد راهنما: حجه الاسلام والمسلمین دکتر سید احمد میر حسینی

پایان نامه (کارشناسی ارشد)

در رشته: فقه و مبانی حقوق

۹۳/۳/۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهشی تطبیقی پیرامون شرط اجتهاد قاضی از منظر فقه امامیه و مذهب حنبلی



پردیس فارابی دانشگاه تهران

شماره:
تاریخ:
پوست:

به نام خدا

صورتجلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد
دانشکده الهیات پردیس فارابی

با عنایت به آئین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته، جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای حمید رضا کریمی به شماره دانشجویی ۲۲۰۵۹۱۰۷۶ در رشته الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی دوره شبانه (نوبت دوم) در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ در محل پردیس با عنوان:
« پژوهشی تطبیقی پیرامون شرط اجتهاد قاضی از منظر فقه امامیه و مذهب حنبلی »

با حضور هیات داوران تشکیل شد و بر اساس کیفیت پایان نامه، ارائه دفاعیه و نحوه پاسخ به سوالات، رای نهایی به شرح ذیل اعلام گردید:

پایان نامه مورد قبول می باشد پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می باشد پایان نامه مورد قبول نمی باشد

نمره نهایی پایان نامه:

۱۸	هفده
بیست و هشت	

نمره نهایی پایان نامه:

درجه پایان نامه:

تعداد واحد پایان نامه: ۴

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما:	دکتر سید احمد میر حسینی	دانشیار	پردیس فارابی	
۲	استاد داور:	دکتر مجتبی الهیان	دانشیار	پردیس فارابی	
۳	استاد داور:	دکتر سید عبدالرحیم حسینی	استادیار	پردیس فارابی	
4	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده:	دکتر سید عبدالرحیم حسینی	استادیار	پردیس فارابی	

معاون علمی پردیس فارابی
دکتر محمد سلار نیسب

رئیس دانشکده الهیات
دکتر فتح اله تحارزادگان

نشانی: قم - ابتدای جاده قدیم تهران - بعد از پایانه مسافری - پردیس فارابی دانشگاه تهران
تلفن: ۰۲۵-۳۶۱۶۶۱۰۰ فکس: ۰۲۵-۳۶۶۴۴۰۸۱ Email: farabi@ut.ac.ir Website: http://farabi.ut.ac.ir صندوق پستی: ۳۵۷

تاریخ
شماره
پیوست

جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران



پرديس قم
۱۳۸۸-ب

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب محمد علی لایم متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است . این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء و تاریخ

محمد علی لایم

تقدیم :

به روح بلند و ملکوتی آیات عظام، علماء بصیر و احرار، حضرات آیات آیت الحق سید علی قاضی و آیه الله العظمی شیخ محمد جواد انصاری و علامه آیه الله العظمی الشیخ حسن علی نجابت شیرازی (رحمهم الله) که به حق چراغهای فروزان عرصه فقه و فقاہت، علم و دیانت، فهم و معرفت، بودند (روحی لکم فداء). یاد خاطره آن بزرگوارانی که در تمام عرصه های زندگی چراغ روشن راه دوستان اهل بیت عصمت و طهارت بوده و هستند و محبت ایشان سرمایه قلبی در بحرانیهای دنیوی و آخرتی دوستان علم و معرف الهی.

این حقیر بضاعت قلیل در جمع آوری و ارتباط بین آیات و روایات و نظرات فقهاء بزرگ و استخراج نتیجه را، مدیون تلمذ در مجالس درس و بحث شیخنا الاستاد حضرت آیه الله شیخ محمد تقی نجابت شیرازی دامت برکاته میدانم که از خداوند متعال توفیق همراه با عزت و سلامتی را برای ایشان خواهانم و هدیه می کنم ثواب این متن تحقیقی را که منور به کلام الهی و روایات اهل بیت (علیهم السلام) و نظرات فقهاء بزرگ می باشد. به محضر شریفشان و روح بلند و ملکوتی پدر گرانقدرشان حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ حسن علی نجابت شیرازی (رض)

و از خداوند تبارک و تعالی می خواهم حق ایشان و دیگر اساتید و همراهان را برگردان من حلال کرده و این حقیر را در راه کسب معارف الهی و انس با علوم اهل بیت علیهم السلام و فهم اسرارشان موفق گرداند. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

چکیده:

در سوره های مختلف قرآن^۱ با اشاره به حکم کردن بین مردم قرآن حکم و قضاوتی را مد نظر قرار میدهد که در احکام و موضوعات بر مدار باذن الله یا ما انزل الله فی الكتاب دلالت داشته باشد. مثل آیه: «وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ» و «فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» و «وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» و..

چرا که خداوند خالق و رب هست و حق بر او هست که حکم از او باشد. و روشن است که انبیاء و نبی گرامی اسلام و هر کسی که ولایتی بعد از ایشان دارد در زمره اوصیاء بعد از پیغمبر محسوب می شوند که ایشان در شمار اذهب عنهم الرجس می باشند که از هر هوی و جهل بری هستند و مصداق طهرهم تطهیرا هستند به جهت تبعیت از کتاب و سنت و علم به هر دو مورد. و در روایات که به عنوان اصل ثانوی در فقه ما میباشد به صراحت به این موضوع اشاره دارد. مثل. صحیحہ ابي خديجه: ۲.... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ يَعْلَمُ شَيْئًا مِنْ قَضَايَانَا ...

آیا علم به شیء از قضایاهم بما هی قضایاهم (علیه السلام) اختصاص به فقیه دارد یا آن کسی که انصراف داشته باشد به فقیه؟ چرا که لفظ علم و عالم به شخص مقلدی که تابع غیر است انصراف ندارد.

و روایت اسحاق بن یعقوب که در توقیع شریفه ای که از جانب امام زمان (عج) آورده.:

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ^۳

و مقبوله عمر بن حنظله: که در بین علماء قبل از حیث شهرت مقبوله نام گرفته. در این روایت امام (علیه السلام) می فرماید «رَوَى حَدِيثَنَا» غیر از این نیست که مدرک قاضی در قضاوت احادیث صادر شده از ائمه طاهرین (علیه السلام) می باشد در مقابل قضاوت أهل جور که مدرک آنها قیاس و استحسان ظنی می باشد که این دو هیچ فایده ای ندارد. و لذا استنباط حکم از این احادیث احتیاج به فن اجتهاد دارد، و معلوم است که منبع علم مقلد فتوی مجتهد هست نه احادیث صادره از ائمه اطهار (علیه السلام)

و می فرماید «نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا». چه کسی را میگویند آیا غیر از این است که این شخص باید شناخت به روایات داشته باشد و این احتیاج به اجتهاد دارد.

^۱ انعام ۵۷ / ۶ یوسف ۱۲ / ۴۰ و ۶۷ «ص ۲۶ / ۳۸» «یوسف ۱۲ / ۲۲» «قصص ۲۸ / ۱۴» انبیاء ۲۱ / ۷۴ «بقره ۲ / ۲۱۳» «مائده ۵ / ۴۸» «مائده ۵ / ۴۹» «نساء ۴ / ۶۵» «نساء ۴ / ۵۹»

^۲ حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی؛ نشر: ۱۴۰۹ ه ق ۲۷: ۱۳ / الباب ۱ من أبواب صفات القاضي / الحدیث ۵.

^۳ «حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی؛ نشر: ۱۴۰۹ ه ق ۲۷ / ۱۴۰ باب ۱۱ صفات قاضی حدیث ۹»

« وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا » این معرفتی که امام می فرمایند عبارت است از احاطه به جمیع خصوصیات حکم و تمیز و تشخیص و این میسر نیست مگر برای کسی که ملکه اجتهاد برای او حاصل شده باشد.

و می فرمایند: « فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا جَعَلَ و قرار دادن از جانب امام (علیه السلام) چه خصوصیاتی باید داشته باشد. و بعد از آن حضرت می فرمایند: « فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا » معنای این چیزی غیر از شخص عارف به احکام من الكتاب و السنه میباشد؟

قول امام که می فرمایند: « فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَحَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ... وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشُّرْكَ بِاللَّهِ »

امام (علیه السلام) قرار داده اند قبول نکردن حکم را به معنای استخفاف به حکم خداوند، آیا غیر از این است که حکم خداوند پا برجا نیست مگر برمدار حکم کسی که حکم کند مطابق قرآن، چنین حکمی نیست مگر از جانب معصوم از خطا یا کسی که در منصب ایشان باشد از این حیث که حکم او مطابق با قرآن و سنت باشد و آن همان فقیه و مجتهدی هست که قبول نکردن حکم او به منزله استخفاف به حکم خداوند است، و رد کردن آن حکم به منزله دست رد زدن به امام معصوم است و رد کردن امام معصوم به منزله شرک به خداوند است،

و این ممکن نیست مگر بگوئیم حکمی شرعی است که، حاکم آن حکم؛ فقیه جامع الشرائط باشد یا منصوب از جانب فقیه جامع الشرائط باشد با اشراف کامل آن فقیه بر او.

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار :
۱	شان و منزلت قاضی و محاکم قضائی
۱	نراقی (رحمه الله علیه)
۲	شرایط و صفات قاضی در کلام امیرمؤمنان علی ابن ابی طالب (علیه السلام)
۳	انگیزه طرح موضوع شرط اجتهاد در قاضی
۴	اولین تحول در محاکم قضایی
۵	محقق در شرایع :
۶	زندان و تعزیر و آزار متهم
۷	من لا یحضره الفقیه
۸	زندان کردن متهم برای روشن شدن حقیقت در مورد حق الناس
۱۰	صاحب شرایع
۱۰	روایاتی دیگر درباره تعزیر و آزار متهم
۱۳	اعتراف متهم همراه با فشار و اکراه و یا در فضای رعب و وحشت
۱۶	کلامی با مکلفین و علمای بزرگوار
۱۸	فصل اول
۱۹	اجتهاد و فقه از منظر امامیه و اهل سنت
۱۹	تعریف فقه لغتاً و اصطلاحاً
۱۹	علامه حلی
۲۰	تعریف اصطلاحی فقه
۲۰	مجلسی
۲۰	آیات قرآن شان و عظمت علم
۲۱	روایات در باب علم و فقه:
۲۲	تاریخ فقه و اجتهاد:
۲۴	کلام امیر المومنین در نهج البلاغه:
۲۴	معاویه و شهادت به علم و فقاہت علی بن ابی طالب(ع)
۲۵	شکل گیری فقه اسلامی

اجتهاد	۲۶
تعریف اجتهاد	۲۶
مرحوم آیه الله خویی رحمه الله علیه:	۲۶
لغت اجتهاد	۲۶
اجتهاد در اصطلاح	۲۷
مقدمات اجتهاد	۲۷
نراقی	۲۷
اقسام اجتهاد	۲۹
تقسیم دیگر اجتهاد	۲۹
تقلید	۲۹
معنی تقلید در روایات	۳۰
اجتهاد و فقه امامیه	۳۰
کتاب	۳۱
نظر فقهاء در عمل به ظواهر قرآن:	۳۱
شیخ مرتضی انصاری	۳۱
آخوند خراسانی:	۳۲
سنت	۳۲
جناب مظفر:	۳۳
سنت از نظر فقهای امامیه	۳۳
تقسیم بندی اخبار (سنت)	۳۴
بیان شیخ مرتضی انصاری در امکان تعبد به خبر واحد:	۳۵
بیان شیخ در جای دیگر بر امکان تعبد به خبر واحد:	۳۶
اجماع	۳۶
شاهرودی	۳۶
معنای اصطلاحی اجماع	۳۷
شیخ مرتضی انصاری	۳۷
امامیه و اجماع	۳۸
عقل	۳۹
نخستین فقیهی که عقل را به صحنه استنباط آورد	۴۰

۴۱	اجتهاد از منظر اهل سنت
۴۱	استاد شهید مطهری
۴۲	قیاس
۴۲	صاحب کفایه
۴۲	شاهرودی
۴۳	سیر تاریخی قیاس
۴۳	کلام ائمه معصومین (ع) در مذمت قیاس
۴۶	استحسان
۴۷	سیر تاریخی استحسان
۴۷	نتیجه:
۴۹	فصل دوم
۴۹	در معنای قضاء
۵۰	در معنای قضاء
۵۰	قضاء از جهت لغت و اصطلاح شرعی
۵۰	نظر جناب صاحب مسالك:
۵۱	نظر جناب صاحب جواهر:
۵۲	مفردات:
۵۳	قاموس قرآن:
۵۴	معنای عرفی و شرعی قضاء:
۵۴	مسالك:
۵۵	دروس:
۵۶	شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله علیه):
۵۷	رسائل کرکی:
۵۷	مستند الشیعه:
۵۹	فقه حنبلی:
۶۰	نتیجه گیری:
۶۰	حاکم به معنای عام کیست؟
۶۱	حکم شرعی چیست؟
۶۲	فصل سوم

- شرایط و صفات قاضی ۶۲
- شرایط و صفات قاضی: ۶۳
- فقه حنبلی: ۶۳
- شروط اول و دوم: بلوغ و عقل ۶۴
- مسالك: ۶۴
- حنبلی: ۶۵
- شروط سوم و چهارم در قاضی ایمان و عدالت ۶۵
- مسالك: ۶۵
- فقه حنبلی: ۶۶
- نظر نگارنده: ۶۶
- نگاه قرآن به ایمان و عدالت حاکم و قاضی ۶۷
- سیره و روش اهل بیت در ایمان و عدالت حاکم و قاضی ۶۷
- در مذمت تقلید از علماء فاسق ۶۸
- پنجم «طهارت مولد» ۶۹
- جواهر: ۷۰
- مستند الشیعه نراقی: ۷۰
- نتیجه: ۷۰
- ششم: مرد بودن ۷۱
- شیخ مرتضی انصاری و بیان شرط ذکوریت ۷۲
- مستند الشیعه مرحوم نراقی: ۷۲
- مرحوم خوئی: ۷۳
- حنبلی: ۷۴
- نظر نگارنده: ۷۴
- ادله ما در این مساله ۷۴
- قرآن: ۷۴
- سنت: ۷۵
- روایت صدوق: ۷۵
- هفتم: حریت (آزاد بودن) ۷۶
- مسالك: ۷۶

۷۶	دلیل بیان تمامی شرایط
۷۷	فصل چهارم
۷۷	شرط علمیت واجتهاد در قاضی
۷۸	فصل چهارم
۷۸	هشتم (علم)
۷۸	اقوال فقهی در شرط علم قاضی از فقهاء شیعه و مذهب حنبلی
۷۹	اما قائلین قول اول:
۷۹	علامه در شرایع:
۷۹	قول دوم:
۷۹	مستندالشیعه:
۸۰	قول سوم:
۸۰	قول تفصیلی مرحوم سبزواری در کفایه الأحكام
۸۱	قمی:
۸۱	ترجمه خلاصه کلام مرحوم قمی؛
۸۲	قول چهارم
۸۲	استدلال جناب صاحب جواهر:
۸۲	آیات:
۸۳	ایراد اول:
۸۳	ایراد دوم:
۸۳	نظر نگارنده
۸۴	تفسیر برهان در ذیل آیه شریفه:
۸۴	حدیث دیگری، از الدر المنثور
۸۵	استدلال صاحب جواهر به روایات:
۸۵	پاسخ:
۸۵	موتقه ابی بصیر:
۸۶	جواب این دلیل:
۸۶	صحیحه ابی خدیجه
۸۷	روایت عبدالله بن طلحه:
۸۷	جواب این دلیل:

۸۸	خبر سلیمان بن خالد.....
۸۸	خبر اسحاق بن عمّار.....
۸۸	استدلال صاحب جواهر:.....
۸۹	کلام صاحب جواهر در اثبات نظرشان.....
۹۱	پاسخ به استدلال صاحب جواهر:.....
۹۵	حاصل:.....
۹۵	کتاب:.....
۹۷	دوم: سنه،.....
۹۷	صحیحہ اُبی خدیجہ.....
۹۷	روایت دوم از اسحاق بن یعقوب.....
۹۸	سوم: مقبوله عمر بن حنظله:.....
۱۰۱	استدلال حضرت امام خمینی (رحمه الله) به مقبوله عمر بن حنظله.....
۱۰۱	پاسخ به استدلال حضرت امام خمینی (رحمه الله):.....
۱۰۴	شرط علم قاضی در فقه حنبلی:.....
۱۰۴	اشاره:.....
۱۰۴	مقلدی که از جانب مجتهد اذن دارد آیا می تواند قضاوت کند یا نه؟.....
۱۰۵	شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله علیه).....
۱۰۸	نظر صاحب مستند الشیعه در قضاوت ماذون:.....
۱۰۸	نظر جناب شیخ (رحمه الله علیه) در قضاوت ماذون.....
۱۰۹	حدّ اجتهاد:.....
۱۰۹	کلام مستند الشیعه حدّ اجتهاد.....
۱۱۰	نظر جناب نراقی (رحمه الله) در تجزی در اجتهاد.....
۱۱۱	سوال.....
۱۱۱	آیا امکان دارد در فرض شرط بودن اجتهاد قائل شویم به تجزی یا نه؟.....
۱۱۲	کلام مستند الشیعه:.....
۱۱۳	داشتن حافظه قوی در قاضی:.....
۱۱۳	کلام مسالک در حافظه قوی داشتن قاضی:.....
۱۱۴	کلام شیخ (رحمه الله علیه) در حافظه قوی داشتن قاضی:.....
۱۱۵	نتیجه:.....

- سؤال : چقدر به جایگاه قضاوت و نسب قضات مجتهد جامع الشرایط اهتمام شده ؟ ۱۱۸
- نظرات امام خمینی (رحمه الله) در شرایط قاضی ۱۱۹
- کارشناسان و متخصصین در محاکم قضایی ۱۲۰
- پی نوشت ها ۱۲۲

پیشگفتار :

شان و منزلت قاضی و محاکم قضائی

نراقی (رحمه الله علیه)

«قضاوت منصبی است والا و بزرگ و شرافت او بزرگ است. و به خاطر علو مرتبه و بالائی شان این قضاوت؛ خداوند قرار داده است برای انبیاء و اوصیاء بعد از ایشان است صلوات الله علیهم سپس به کسی که قدم در جای پای ایشان می گذارد و اقتداء میکند به ایشان از علمائی که علوم ایشان را بدست آورده اند، و اذن از جانب ایشان گرفته اند به حکم کردن بین مردم به سبب قضاوت».

و کفایت می کند به بزرگی قدر و منزلت این جایگاه که متولی امر قضاوت خود پیامبر(ص) می باشند، سپس واگذار کردند امر قضاوت را به سید اوصیاء حضرت امیر المومنین (علیه السلام) بعد از خودشان سپس به اوصیاء بزرگوار ایشان که جانشین ایشان می باشند و تخصیص دادند این امر قضا را به اوصیاء بعد از خودشان غیر از مردم و قبل از پیامبر هم انبیاء تخصیص دادند امر قضا را به اوصیاء بعد از خودشان .

و از بزرگی شأن قضاوت است که: جعل الله یده فوق رأسه و أهبط الیه الملك یدده. خداوند قرار داده است دستش را بالای سر حاکم و نازل فرموده خداوند تبارک و تعالی به سوی قاضی ملکی که در امر خطیر قضا او را کمک کند و قولش را محکم و متین قرار دهد

امام صادق (ع) میفرماید: «ید الله فوق رأس الحاکم ترفرف بالرحمة، فاذا جاف و کله الله تعالی الی نفسه». حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) در خبر سکونی فرمودند: «دست خداوند بالای سر حاکم است و او را غوطه ور در رأفت و رحمت خود کرده . ولی هنگامی که قاضی ستم می کند خداوند آن قاضی را به خودش واگذار می کند».

و در خبر دیگری هست: «اذا جلس القاضی أو أجلس فی مجلسه هبط الیه ملک یدده و یرشده و یوقانه، فاذا جار عرجا و ترکاه».

«هنگامی که قاضی به مجلس قضاوت می نشیند و یا او را می نشانند . دو ملک به سوی او نازل می شوند که کمک و راهنمایی می کنند او را و در نتیجه موفق به حکم حق می کنند و راهنمایی می کنند و زمانی که قاضی حکم به جور کند و ظلم نماید آن دو ملک او را ترک میکنند و می روند و او را می گذارند».

پس خطر قضاء بزرگ است و اجر آن عظیم، پس بدرستی که قاضی در پرتگاه آتش دوزخ است اگر جور در حکم بکند، یا حکم بدون علم بکند، خداوند او را سرنگون در آتش جهنم می کند، و اگر عدالت

ورزد و حکم به آنچه از جانب خداوند آمده کرد در حالی که عالم به این حکم بود و تبعیت از سنت رسول الله داشت پس به تحقیق فائز می شود به فوزی بزرگ و نائل می شود به جایگاهی بزرگ. به همین جهت پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده اند: کسی که قرار داده شود برای قضاوت بدون کارد خود را سر بریده است

و فرمایش مولای متقیان علی (علیه السلام) در روایت اسحاق ابن عمار: «یا شریح قد جلست مجلساً لایجلسه الا نبیّ او وصیّ نبیّ او شقیّ».

«ای شریح، تو در جائی نشسته ای که پا نمی گذارد در آن مقام الانبی یا وصی نبی یا کسی که شقاوت نفس دارد»

و امام صادق (علیه السلام) می فرماید مثل همان عبارت مرفوعه برقی را: «القضاء أربعة: ثلاثة في النار و واحد في الجنة، رجل قضی بجور و هو یعلم فهو فی النار، و رجل قضی بجور و هو لا یعلم أنه قضی بجور فهو فی النار، و رجل قضی بحق و هو لا یعلم فهو فی الجنة»^۴

: «قضاوت چهار صورت دارد: سه تای آن در آتش و یکی در بهشت جای دارد، مردی حکم می کند به جور و می داند پس او در آتش است، و مردی قضاوت می کند به جور و نمی داند که به جور حکم می کند او هم در آتش هست، و مردی قضاوت می کند به حق و نمی داند او هم در آتش هست و مردی که قضاوت می کند به حق و می داند پس او در بهشت است».

شرایط و صفات قاضی در کلام امیر مومنان علی ابن ابی طالب (علیه السلام)

امیر مومنان علی ابن ابی طالب (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر در باب انتخاب قاضی چنین میفرماید: **ثُمَّ اخْتَرْتُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ اَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ**

سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن،

مِمَّنْ لَا تَصِيْقُ بِهِ الْأُمُورُ وَلَا تُمَحِّكُهُ الْخُصُومُ وَلَا يَتَمَادَى فِي الزَّلَّةِ وَلَا يَحْضَرُ مِنَ الْفِيءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ وَ لَا تُشْرِفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ

کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند،

^۴ مولى احمد بن محمد مهدى نراقى مستند الشيعه (م ۱۲۴۵ ق.) ج ۱۷ صفحه ۱۷ - ۹

وَلَا يَكْتَفِي بِأَدَّتِي فَهَمَّ دُونَ أَقْصَاهُ وَأَوْقَفَهُمْ فِي الشُّبُهَاتِ وَأَخَذَهُمْ بِالْحُجَجِ وَأَقْلَهُمْ تَبَرُّمًا بِمُرَاجَعِ
الْخِصْمِ وَأَصْبَرَهُمْ عَلَى تَكْشُفِ الْأُمُورِ وَأَصْرَمَهُمْ عِنْدَ اتِّصَاحِ الْحُكْمِ

و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد، و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند، و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد، و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیباتر، و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده تر باشد،

مِمَّنْ لَا يَزِدُّهُ إِطْرَاءٌ وَلَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءٌ وَأُولَئِكَ قَلِيلٌ

کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد، و چرب زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اند کند!!.

ثُمَّ أَكْثَرُ تَعَاهُدَ قَضَائِهِ

پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او ببیندیش،

وَ {أَفْسَحُ} أَفْسَحُ لَهُ فِي الْبَدَلِ مَا {يُزِيحُ} يُزِيلُ عِلْتَهُ وَ تَقِلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ وَ أَعْطَاهُ مِنَ الْمُنْزِلَةِ لَدَيْكَ
مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ لِإِيْمَانِ بِذَلِكَ اغْتِيَالِ الرَّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ

و آنقدر به او ببخش که نیازهای او بر طرف گردد، و به مردم نیازمند نباشد، و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد.
فَانظُرْ فِي ذَلِكَ نَظْرًا بَلِيغًا فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى وَ تُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا
در دستوراتی که دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران اسیر گشته بود، که با نام دین به هوا پرستی پرداخته، و دنیای خود را به دست می آوردند.^۵

انگیزه طرح موضوع شرط اجتهاد در قاضی

طی قرون گذشته بجز دوره ای کوتاه مدت در حکومت ائمه اطهار (علیهم السلام) و بعضی از دوستان ایشان (آنهم در موارد بسیار اندک) منصب حکومت و قضاوت همیشه در غصب حکام جور بوده. و در تمام این دورانها حق جایگاه شریف قضاوت ضایع گشته و در بعضی مواقع خون امامان معصوم و اولیاء الهی و مردم شیعه و دوستان اهل بیت در محاکم اسلامی حکام جورمباح و ریخته شده و یا خانه نشینی و حبس و اسارت را برای ایشان بدنبال داشته .

^۵ دشتی محمد/ نهج البلاغه/ معاصر/ ناشر: مشهور/ جلد: ۱/ ص ۵۷۷

اولین تحول در محاکم قضایی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دست توانای فقیه نحیر و عارف به احکام اهل بیت حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) در سال ۵۷ و استقرار حکومت ولی فقیه جامع الشرایط به معنای واقعی زمینه ای فراهم شد که طی نزدیک به هزار و چهارصد سال آرزوی هر آزاده ای بود. و آن هم تشکیل حکومت اسلامی در پرتو فقه اهل بیت علیهم السلام و برپایی احکام و قوانین برمدار ما انزل الله و سیره و روش نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت شریفش (علیهم السلام) و پس از آن باتدوین قانون اساسی و تأیید نمود و هشت درصدی مردم حکومت جمهوری اسلامی تشکیل شد.

یکی از موارد روشن در این قانون اصول ۱۵۶ تا ۱۷۴ بود که شرح وظایف محاکم دادرسی را روشن کرده. که در همین راستا قوانینی وسیع و گسترده طی سالهای پس از انقلاب برطبق همین اصول تدوین گشته .

و در همین راستا از ابتدای انقلاب اقدامات بزرگی در توسعه نظام دادرسی و قضایی و وضع قوانین انجام شده. که بحق در سیر مراحل دادرسی کمک فراوانی را به قضات میکند تا هرچه سریعتر به دادرسی خود برسند و بهتر به تظلمات رسیدگی کنند.

از آنجائی که قضاوت از واجبات الهی است و قبول آن از طرف اهلش واجبی کفائی و در صورت نبود و منحصر شدن در فرد و یا افرادی حکم عینی را پیدا می کند . ولی قبول منصب و الای قضاوت از جانب علماء و فقهاء بزرگ مورد بی مهری و کم توجهی قرار گرفته . که اغماض مسؤلین قوه قضا و یا طفره رفتن بخشی از مکلفین این واجب الهی محاکم ما با چالشی بزرگ مواجه کرده است. چالش حذف شرط علمیت قاضی و یا اکتفاء به حداقل ها یعنی نصب قاضی بدون توجه به دو شرط مهم عدالت و علمیت (یعنی اجتهاد مطلق)؛ آنها هم به معنای ملکه عدالت و اجتهاد؛ با توجه به نمونه های از مواردی که در دنباله همین مطلب می آید سوال اینجاست آیا حکم کردن در حق مردم فارغ از مذهب و دین اشخاص آیا بدون علمیت ممکن است؟

و آیا در مواردی همچون موارد زیر آیا میشود حتی با وجود قوانین مدون و روشن تشخیص را در دست قضات غیر مجتهد گذاشت؟

در اینجا به نمونه های از احکام قضایی که اثبات آن با بینه و شهود ثابت میشود مثل اثبات زنا و لواط و قذف و قیادت و شرب خمر و محارب و یا گرفتن اعتراف از متهم که موجب اثبات حکم در حق او میشود و حکم زندان که باید توسط قاضی صادر شود اشاره میکنیم که روشن شود آیا این گونه احکام و یا قضاوتهایی به غیر از قاضی مجتهد و برخوردار از اجتهاد مطلق ممکن میباشد؟

به عنوان نمونه نظرات جناب صاحب شرایع در این مورد را می آوریم .